



یک سال پس از بشار اسد؛ سوریه به کدام سمت می رود؟

آنچه در شام گذشت

خاورمیانه

علیرضا حجتی

دیبر گورر بین الملل

«برادران من! این پیروزی، فصل جدیدی را در تاریخ منطقه رقم می زند.» یک سال قبل درست در چنین روزهایی محمد الجولانی رهبر تحریرالشام و رئیس دولت کنونی سوریه بعد از تصرف دمشق در مسجد جامع اموی این را گفت.

سوریه حالا در کدام نقطه ایستاده است؟ رهبر تروریست دیروز و جوان کراوات پوش امروز فصل جدیدی برای مردم سوریه رقم زد با این سهم تاریخی نصیب توسعه طلبی اسرائیل شد و در خدمت اهداف شوم نتانیاهو دار و دسته اسرائیلی قرار گرفت؟ شاید یک سال زمان مناسبی برای بررسی دوران پساسد باشد. دورانی که قرار بود فصل شکوفایی سوریه ها باشد اما فقط این صدای انفجار بود که در آسمان دمشق طنین انداز بود.

امروز امنیت همچنان حلقه مفقوده مردم سوریه است، جایی که در آسمان جنگنده های اسرائیلی را بالای سر خود دارند و این پایین روی زمین هدف آدم ربایی و تسویه فرقه ای و خونین نیروهای وابسته به جولانی هستند. از همه مهم تر سوریه که روزگاری هر نظم جدیدی در منطقه خاورمیانه حول آن شکل می گرفت، امروز گرفتار یک دولت فرومانده (Failed State) است که نه با اصول حکمرانی مدرن نسبتی دارد و نه می تواند سیادت سوریه را در برابر نهاجسات رژیم صهیونیستی حفظ کند؛ تهدیدی که در نهایت این کشور مهم را در آستانه تجزیه قرار داده است.

در خاورمیانه هیچ چیز به عقب بازمی گردد اما همه چیز با گذشته و تاریخ پیوند خورده است؛ این «ناگهانی شکفت انگیز» فقط در غرب آسیا یافت می شود. دسامبر ۲۰۲۴ شورشیان تحریرالشام (HTS) در برابر چشمان

حکومت وحشت

ترس دوباره به سوریه برگشته است و شاید هرگز از بین نرفته باشد. کمتر از ۱۲ ماه پس از تولد سوریه جدید پس از سقوط ناگهانی حکومت بشار اسد در ۸ دسامبر گذشته، بسیاری دوباره از صحبت کردن می ترسند. بار دیگر، شهروندان نگران این هستند که چه کسی ممکن است به حرف هایشان گوش دهد و مجازات گفتن حرف اشتباه چه خواهد بود.

در طول یک سفر گزارشگری ۱۰ روزه، گلوب اند میل با سوری هایی ملاقات کرد که می گفتند توسط نیروهای امنیتی عمومی سیاه پوش که در نهایت به رئیس جمهوری احمد الشرع گزارش می دهند، مورد اصابت گلوله، ضرب و شتم، زندانی شدن یا تهدید قرار گرفته اند. اما پس از روایت داستان هایشان، از ترس عواقب بعدی، درخواست کردند که نام شان فاش نشود.

سوریه در طول سال گذشته، به ویژه در جبهه بین المللی، پیشرفت قابل توجهی داشته است. الشرع - که پیش از یک دهه است توسط ایالات متحده به عنوان یک «تروریست جهانی ویژه» تحت تعقیب است - سه بار با دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده ملاقات کرده است



که آخرین بار در ۱۰ نوامبر در کاخ سفید بود، جایی که او قول هایی برای لغو تحریم های دوران اسد گرفت که هنوز اقتصاد سوریه را با جلوگیری از اکثر معاملات بین المللی فلج می کند. در داخل کشور، او بر معرفی یک قانون اساسی موقت جدید نظارت داشته، است که اختیارات گسترده ای را برای خود

حفظ کرده است، در حالی که به سوری ها «آزادی عقیده، بیان، اطلاعات، انتشارات و مطبوعات» را نیز وعده داده است. این کشور در ماه اکتبر انتخابات نیمه دومگراتیکی برگزار کرد که در آن گروه های انتخاباتی محلی متشکل از ۵۰۰ نفر در هر منطقه، نمایندگان مجلس را برای اولین بارلماں پس از جنگ انتخاب کردند. اما با وجود این، احمد الشرع در داخل کشور به عنوان کسی که قدرت را در راس یک گروه شبه نظامی جهادی به نام هیأت تحریر الشام (HTS) به دست گرفت، شناخته می شود. نگران کننده است که اختلافات

فرقه ای در طول سال گذشته عمیق تر شده است. وجه مشترک کسانی که از صحبت کردن می ترسند این است که آنها اعضای گروه های اقلیتنی هستند که احساس امنیت نمی کنند. فهرست کوتاهی از کسانی که گفتند از صحبت کردن می ترسند، شامل خانواده های علوی است که توسط افراد

دولت داری به سبک القاعده

احمد الشرع، رهبر سابق القاعده که اکنون رئیس جمهوری موقت سوریه است، در طول سال گذشته زیادی حق به جانب بوده است. او در کنفرانس های سراسر جهان حضوری ثابت دارد. دونالد ترامپ در ماه نوامبر در کاخ سفید - در لحظه ای دیگر از رابطه عجیب او با رئیس جمهوری آمریکا- هنگام پرسیدن سؤال در مورد تعداد همسرانش، به او اسبیری افرتشو زد. بسیاری از تحریم هایی که سوریه را تحت حکومت اسد به زانو درآورد، لغو شده اند. انتظار می رود کنگره تا اوایل سال ۲۰۲۶، شدیدترین تحریم ها قانون قیصر- را لغو کند.

شرکت های بین المللی در حال بررسی معاملات هستند. در ماه دسامبر، مدیران شرکت نفتی شوروں از دمشق بازدید کردند. شرکت اماراتی دی پی ورلد، قرارداد سنگینی را با دولت برای اداره بندر طرطوس امضا کرده است. اما با این همه شکاف ها شروع به پدیدار شدن کرده اند. اقتصاد فرو نشانیده اما وضعیت مالی بسیاری از سوری ها از زمان آزادسازی رو به وخامت وجود ندارد. احمد الشرع دولت را به سمت و سوی نگران کننده ای می برد. نهادهای جدیدی مانند اداره کل مرزها و گمرکات و صندوق ثروت ملی با فرمان ریاست جمهوری ایجاد شده اند که وزارتخانه ها را از اختیارات جمع آوری درآمد محروم می کند. این نهادهای که توسط وفاداران اداره می شوند، هیچ نظارت عمومی ندارند. یک وکیل در دمشق با نگرانی می گوید: «آنها هیچ مبنای قانونی یا اساسی ندارند.»

در همین حال، یک دبیرخانه جدید برای امور سیاسی به ریاست وزیرخارجه تأسیس شده که وظایف آن مهیم اما نفوذ آن بسیار گسترده است. گروه های جامعه مدنی می گویند که تجمعات پس از دریافت تهدید از سوی این دفتر لغو شده اند. برخی دیگر می گویند که این دفتر، نامزدهای انتخابات اخیر را بررسی کرده است. یک سال است که حکومت بر ترکیبی آشفته از احکام ریاست جمهوری و وزاری استوار بوده است.

وزارتخانه ها احکامی صادر کرده اند، اما بعداً آنها را لغو کرده اند، یا نهاد دیگری تصمیمی متناقض صادر کرده است. یک کنوانسیون قانون اساسی که با عجله در مه مارس تشکیل شد، به رئیس جمهوری اختیارات گسترده ای اعطا کرد. در ماه اکتبر، او برای دو سوم پارلمان جدید «انتخابات» برگزار کرد. یک هیأت انتخاباتی متشکل از رأی دهندگان تأیید شده، اعضای

بنیان های این کشور را تضعیف و فرسوده کرد که جولانی و یارانش با حمایت مستقیم برخی بازیگران منطقه ای زمینه را برای تحقق طمع چندین ساله در فتح این کشور مناسب دیدند. احمد الشرع وارث چنین سوریه ای است. در لحظه ای که انگار همه چیز به نقطه اول بازگشته و تاریخ برای شام می خواهد از «نو» شروع شود.

در نهایت تحولات یک سال گذشته برای بازیگران منطقه ای و برخی همسایگان این کشور که آرزوی دیرینه تسلط بر شام را داشتند، ثابت کرد سوریه زمینی نبوده که برای هر طرف مداخله گری پیروزی قطعی و دائمی رقم بزند. یکسالگی دولت جولانی با آغاز هسته های مقاومت در سوریه اما به شدت معتادار است. یک تحلیلگر اردنی هفته گذشته در الجزیره نوشت: «همیشه این اشغال است که مقاومت را ضروری می کند، هر جا که وجود داشته باشد و تا زمانی که در سرزمین دیگران وجود داشته باشد. سوری ها در بیت جن برای سرزمین و شرف خود پیروز شدند و این سوریه ای است که ما از ابتدای قرن گذشته و زمان مقاومت در برابر اشغال های استعماری پی در پی می شناسیم. مقاومت قهرمانانه درمی در برابر هجوم ارتش اشغالگر اسرائیل، قطب نماي سوریه را مجدداً تنظیم کرد و به عنوان «آخرین یادآوری» برای سوری ها عمل کرد که دشمن آنها که سرزمین شان را اشغال کرده و در مقابل

آنها به عنوان تهدیدی برای آینده، موجودیت، سرزمین و جامعه شان ایستاده است، اسرائیل و فقط اسرائیل است.» اسرائیل اصلاً چنین تصویری نداشت، موجودیتی که پشت پروژه تجزیه سوریه با نظریه «اتحاد اقلیت ها» قرار دارد که هیچ کارکردی جز تجزیه سوریه، به عنوان یک دولت، ملت و حاکمیت ندارد. اقدام شنیع اسرائیل در بیت جن، خدمت بزرگی به هر سوری آزاده ای کرده است که از آنچه سوریه از س رمی گذراند، وحشت دارد. اسرائیل امروز در پی تکرار تجربه نوار مرزی در لبنان و همچنین در سوریه است. می خواهد منطقه از جنوب دمشق تا مرز جولان اشغالی، منطقه ای غیرنظامی و خالی باشد و شاید شاهزاده ها و مأموران محلی را در آن مستقر کند تا به سبک آنتوان لحد یا سعد حداد از طرف او نقش ایفا کنند. در منطق صهیونیسم: «آنچه با زور به دست نمی آید، ممکن است با زور بیشتر از آن، مقاومت قوی تر و هوشمندانه تری به سختی خواهد آموخت، این است که اشغال، مقاومت می آفریند. قدرت، قدرت می آورد و بیشتر از آن، مقاومت قوی تر و هوشمندانه تری را به ارمان می آورد؛ اینکه خالی کردن جنوب سوریه از نمادهای دولت و نیروهای نظامی، امنیت و ثبات را برایش به ارمان نمی آورد، بلکه ممکن است آن را به مقاومت تبدیل کند که بیش از ۵۰ سال در جنوب لبنان و دره بقاع حاکم شده است.

روی تاریک سوریه جدید در یک صبح گرم ماه جولای به روستاهای دروزی نشین رسید. گروه هایی از افراد مسلح - که برخی از آنها کشاورزان بادیه نشین از روستاهای اطراف بودند و برخی دیگر یونیفرم نیروهای امنیتی الشرع را به تن داشتند - در روستاهای لبین و دیگر بخش های منطقه سویدا حمله کردند، خانه های دروزی ها را غارت کردند و به آتش کشیدند.

شیخ ابویوسف، یکی از رهبران جامعه دروزی در جرمانا، گفت که سالگرد ۸ دسامبر، تاریخی نیست که دروزی های سوریه آن را جشن بگیرند. به گفته او، این کشور در معرض خطر قریب الوقوع بازگشت به درگیری های آشکار است. شیخ ابو یوسف گفت: «زیر کاکسرت، آتشی وجود دارد. به نظر می رسد که آتش خاموش شده است، اما هر لحظه ممکن است یک جنگ فرقه ای جدید داشته باشیم زیرا توسط یک سازمان تروریستی اداره می شویم.»

منبع: TheGlobeand Mail



آن را از فهرستی از نامزدهای منتخب انتخاب کرد: الشرع بقیه را منصوب خواهد کرد. این روند بسیاری را ناامید کرد. محمد دلحه، نماینده مجلس دمشق تأکید می کند: «آنها بهترین کاری بودند که ما می توانستیم در آن شرایط انجام دهیم.»

نهادی که برای نظارت بر عدالت انتقالی ایجاد شده بود، همچنان بدون بودجه باقی مانده است. قتل های انتقام جویانه تقریباً روزانه اتفاق می افتد، بویژه در مناطق مختلط اطراف حمص و منطقه ساحل (غرب سوریه شامل لاقیبه و طرطوس).

اما بدترین آنها، شکست های دولت جولانی در روابط با اقلیت ها بوده است. او دو بار کنترل نیروهای امنیتی خود را از دست داده است، زیرا آنها مرتکب جنایات فرقه ای شده اند. در ماه مارس، آنها اعتراض علوی ها را در غرب سرکوب کردند و در ماه ژوئیه، همین اتفاق را در رابطه با شورش دروزی ها در سویدا رقم زدند. یک تاجر دروزی که در میانچگیری با دولت مشارکت دارد، می گوید بی اعتمادی در سویدا احتمالاً برای یک نسل ادامه خواهد داشت. برخی نگرانند که اگر احمد الشرع به سرکوب علوی ها ادامه دهد، آنها به شورش روی آورند. به نظر می رسد رئیس جمهوری موقت قادر به درک این موضوع نیست که چرا اقلیت ها ممکن است از حکومت یک جهادی سابق بترسند. در عوض، او به سادگی از آنها خواسته است که سلاح های خود را زمین بگذارند و به او بپیوندند.

اگر او بتواند اقلیت ها را در حکومت خود جای دهد و قدرت را به طور گسترده تری تقسیم کند، ممکن است این وضعیت تغییر کند.

منبع: Economist

جهان

۵

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۴۰)
ویلیام کلیفورد
ترجمه: نسنگ قهرمانپور

سرنگونی

سلیم سوم

تشکیل و گسترش ارتش نظام جدید، مخالفت آشکار آن دسته از عناصر جامعه عثمانی را که از تضعیف اقتدار مرکزی بهره مند شده بودند، برانگیخت. از همان آغاز سلطنت سلیم، ینی چری ها کل برنامه اصلاحات نظامی او را تهدیدی برای استقلال خود می دانستند و از خدمت در کنار ارتش جدید در میدان نبرد سر باز زدند. دربی ها، بزرگان ناحیه ای، نیززمین داشتند که سلطان برای تأمین مالی نیروهای جدید، تیمارها را مصادره کرده و درآمد آنها را به ارتش نظام جدید اختصاص دهد. مخالفت های دیگری نیزاز سوی علما و اعضای دیگر طبقه حاکم که با اصلاحات نظامی به سبک اروپایی موافق نبودند، شکل گرفت. به رهبری ینی چری های شورشی، این نیروها در سال ۱۸۰۶ گرد هم آمدند، سلیم سوم را از سلطنت برکنار کردند و مصطیٰ چهارم را به عنوان جانشین او برگزیدند؛ کسی که متعهد شد در امور و امتیازات آنان دخالتی نکند. فرمان عزل، سلیم را به بی اعتنایی به اسلام و سنت عثمانی متهم ساخت. در سال پس از آن، سفارتخانه های عثمانی در اروپا تعطیل و نیروهای نظام جدید منحل شدند و سرانجام سلطان معزول -که اصلاحات محتاطانه اش تنها در پی حفظ سنت عثمانی بود- به قتل رسید.

احیای مرکز قدرت: مصر محمدعلی، ۱۸۰۵-۱۸۴۸

درگیری های پی در پی امپراطوری عثمانی با دولت های اروپایی و کارزارهای نظامی آن علیه سرسالاران محلی، توان این دولت را در نگاهبانی از اقتدار اداری خویش بر برخی ایالات به طرز چشمگیری کاست. این ناتوانی، بویژه در سرزمین مصر آشکار بود؛ ولایتی که تا اواخر سده هجدهم، اگر نه در ظاهر، دست کم در واقعیت، به دولتی نیمه مستقل تحت سیطره ممالیک مبدل شد. هرچند عثمانیان همچنان فرماندارانی به قاهره اعزام می کردند، اما بی های مملوک در عمل جایگزین نمایندگان سلطان شده و به کانون اصلی قدرت سیاسی، مالی و اداری در این دیار بدل شدند.

بازگشت ممالیک

حکومت ممالیک، حکومتی آشفته، ستمگر و ناخوشایند بود؛ فاقد مرکزی یکپارچه و استوار بر شبکه ای از خاندان های رقیب که هر یک جداگانه مالیات گردآوری می کردند، و سباهیانی در اختیار داشتند و با بازرگانان محلی و نمایندگان اروپایی داد و ستد می کردند. در فقدان یک مرکزیت کارآمد، جامعه با انگلسان و فرانسه رونق می داد. تجارت برجسته و علمای دین اداره می شد. با این همه، گاه یکی از سرداران مملوک با گرد آوردن سباهیان و حامیان بسیار، بر دیگران تفوق می یافت. از نامدارترین آنان، علی بی کبیر (۱۷۷۲-۱۷۶۰) بود که تجارت مصر را با انگلستان و فرانسه رونق بخشید و برای نوسازی سپاه، معاصر خود خواهد کرد و وقتی این اتفاق بیفتد، دولت جدید سوریه ممکن است خود را در درددسر ببیند. سوری ها معمولاً اقتصاد را به عنوان دغدغه اصلی سیاسی خود ذکر می کنند و تنها ۱۷ درصد از عملکرد الشرع را می هستند. تورم (۳۱ درصد)، کمبود شغل (۲۲ درصد) و فقر (۲۳ درصد) به عنوان جدی ترین چالش های پیش روی کشور ذکر شده اند، در سطح فردی، ۵۶ درصد از سوری ها گزارش می دهند

باقی ماند.